



دولت روحانی علاوه بر ناکارآمدی در حل مشکلات اقتصادی، ضربات بزرگی به رابطه مردم و حکومت زده است

آینکه عبرت



فرهیختگان انتظار جریان اشتباهات و یا حتی پذیرش اشتباهات و عذرخواهی از سوی دولتی که در ۸ سال گذشته با وجود نابود کردن هزاران جان و تباه کردن میلیون ها زندگی، هیچ گاه مسئولیت آنچه را که به بار آورده، نپذیرفته، کمی دور از ذهن است. در دولتی که وزیرش پس از مرگ ده‌ها نفر در میان شعله‌های آتش در حادثه برخورد دو قطار، به‌جای عذرخواهی از بیمه بودن کشته‌شدگان می‌گوید، نمی‌توان انتظار داشت در آخرین روزهایش که دیگر نه نیاز به رای دارد و نه چیز دیگر، بابت حادثه‌های تاسف‌بار کوچک‌تر، حاضر به عذرخواهی باشد. اگرچه مشخص نیست که تا ۱۲ مرداد دولت روحانی چه فجایع دیگری را رقم خواهدزد، اما تازه‌ترین نمونه آن، کشته‌شدن خانم‌ها ریحانه یاسینی و مهشاد کریمی دو خبرنگاری است که به دعوت ستاد احیای دریاچه ارومیه به آذربایجان غربی سفر کردند و هیچ گاه به خانه بازنگشتند. ساعتی پس از این حادثه، ویدئویی از عیسی کلانتری، رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست در فضای مجازی منتشر شد که او در وضعیتی بسیار نامناسب دربرابر خبرنگارانی که در این حادثه آسیب دیده بودند، نشست و به روایت آنها از آنچه پیش آمده گوش می‌کند. نحوه نشستن کلانتری در فضای مجازی با انتقادات فراوانی همراه شد و کاربران فضای مجازی آن را بی ادبانه و توهین‌آمیز خواندند، اما وی به‌جای عذرخواهی از مردم، بابت رفتار نامناسبش انتقادات وارده به خود را مزخرف خواند و در گفت‌وگویی به خبرنگاری گفته بود: «این حرف‌های مزخرف را بعضی همکاران شما درمی‌آورند. نحوه نشستن من مثلاً چطور بود؟ نحوه نشستن همیشگی من، همینطور است. چه عذرخواهی‌ای؟ برای چه؟ چه اتفاقی افتاده که عذرخواهی کنم؟» ادبیات کلانتری در روزهای بعد هم تفاوتی با قبل نداشت و باعث اعتراض خانواده متوفیان و همچنین سایر خبرنگارانی شد که در این حادثه آسیب دیده بودند. بخش تاسف‌بار ماجرا آنجاست که به گفته علی سلطان محمدی همسر مهشاد کریمی، عیسی کلانتری حتی حاضر به ارسال پیام تسلیت خطاب به داغ‌دیدگان نشد. کلانتری درحالی با رفتارش از بار مسئولیت خود شانه خالی می‌کند که بنابر شواهد در این حادثه سهل‌انگاری مسئولان سازمان محیط‌زیست در انتخاب خودروی مناسب برای انتقال خبرنگاران حرف اول را می‌زند. دیروز و با بالا گرفتن اعتراضات به رفتار رئیس سازمان محیط‌زیست، نه یک مقام دولت که دو مقام، در اظهار نظرهای جداگانه به حمایت از کلانتری پرداختند. روز گذشته اسحاق جهانگیری، معاون اول رئیس‌جمهور در سخنانی قابل تامل اظهار داشت: «چرا آقای کلانتری باید استعفا بدهد؟ حادثه‌ای تلخ برای خبرنگاران رخ داد که من از طرف جامعه خبرنگاری حتماً این موضوع را پیگیری می‌کنم. به کلانتری نیز گفته‌ام اقدامات لازم را انجام دهد.» علاوه‌بر جهانگیری، محمود واعظی، رئیس دفتر رئیس‌جمهور نیز در این رابطه از کلانتری حمایت کرد و گفت: «من خودم چندبار با آقای کلانتری صحبت کردم و دیدم از کسان دیگر بیشتر ناراحت بود. ممکن است برخی ناراحتی خود را به زبان بیاورند و برخی درون خود بریزند!» این اظهار نظرهای حمایتی از کلانتری نشان می‌دهد، در این هفته‌های آخر هم در همچنان بر همان پاشنه سابق یعنی مسئولیت‌ناپذیری در دولت روحانی می‌چرخد.

احتمال اینکه دولت روحانی در این فرصت کوتاه باقی‌مانده، از رویه ۸سال گذشته‌اش دست‌بردار و مسئولیت اشتباهاتش را بپذیرد، منتفی است، اما از باب هشدار به رئیس‌جمهور منتخب و دولت بعدی باید خطاب به رئیسی گفت که در انتخاب وزرا دقت لازم را داشته باشد. اگر او نیز بخواهد مانند روحانی رفتار کند و افرادی را به کابینه‌اش دعوت کند که آنقدر از جامعه دور باشند و حتی در درک مردم نیز ناتوان

گفت‌وگو

باشند، وضع تفاوت معناداری نخواهد کرد. روحانی و دولتش آنقدر از افکار عمومی فاصله داشتند که حداقل در ۴ سال اخیر هیچ‌وقت نفهمیدند چه چیزی را بگویند و چه چیزی را نگویند. در ادامه و از باب انداز به دولت جدید به بخشی از این رویه انتقادناپذیری دولت روحانی اشاره شده است.

آن صبح جمعه دردناک

اعتراضات معیشتی مردم به افزایش قیمت بنزین در آبان ۹۸ تلخ‌ترین اتفاق در طول ۴۲ سال اخیر بود. درست در زمانی که جامعه ایران تحت فشار اقتصادی شدید حاصل از تحریم‌های آمریکا و ناکارآمدی مسئولان قرار داشت، قیمت بنزین از هر لیتر هزار تومان به لیتری سه هزار تومان افزایش یافت. این افزایش سه‌برابری، بیشترین فشار را بر طبقات ضعیف جامعه وارد می‌کرد و به همین دلیل پیش‌بینی می‌شد آنها برای اعتراض به خیابان‌ها خواهند آمد. اما به‌جای اینکه دولت روحانی از در صداقت با مردم سخن بگوید و آنها را برای چنین شرایطی آماده کند تا ترکش‌های اتفاقات بعدی حاصل از افزایش سه‌برابری قیمت بنزین در سطح جامعه کاهش پیدا کند، نه‌تنها این اقع‌سازی صورت نگرفت، بلکه با اجرایی کردن یک‌شنبه مصوبه زمینه برای اعتراضات مردمی و سوءاستفاده معاندان از آن کاملاً فراهم شد. اجرای بد مصوبه توسط شورای امنیت و دولت، کشور را به التهاب کشاند اما عجیب آنکه دربرابر التهابات رخ داده هیچ کدام از مسئولان دولتی حاضر به پذیرش اشتباهات‌شان نبودند و از زیر بار اجرای بد مصوبه افزایش قیمت بنزین شانه خالی می‌کردند. اوج این مسئولیت‌ناپذیری را می‌توان در سخنان روحانی یک‌هفته پس از اعتراضات آبان ۹۸ مشاهده کرد. وی به‌جای عذرخواهی از مردمی که فرزندان‌شان در این حوادث جان باختند، با طفره رفتن از مسئولیت خود و با خنده‌هایی دردناک گفت: «من هم مثل همه مردم ایران صبح جمعه مطلع شدم که قیمت بنزین تغییر کرده است؛ چرا که من هم این طرح را به شورای امنیت واگذار کرده بودم و به آنها گفته بودم زمانش را به من نگویند؛ این مصوبه در جلسه سران قوا مصوب شده است.» این اظهار نظر عجیب همراه با خنده نه‌تنها از حجم مطالبات مردم نسبت به دولت کم نکرد، بلکه خشم آنها را بیشتر کرد و نشان داد افکار عمومی و اعتراضات مردم نسبت به عملکرد مسئولان چه جایگاهی در اندیشه

رئیس دولت تدبیر و امید دارد. البته علاوه‌بر عذرخواهی بابت این اتفاق، رئیس دولت باید به‌دلیل مطالب غیرواقعی که در همین ماجرا گفته شد نیز از مردم عذرخواهی می‌کرد.

وزیر طلبکار

عباس آخوندی یکی از چهره‌های همواره حاشیه‌ساز دولت روحانی در سالیان گذشته بوده است. آخوندی جزء آن دسته از مسئولانی بود که هیچ‌گاه حاضر نشد بابت اشتباهاتش عذرخواهی کند و پاسخگوی افکار عمومی باشد. او در اکثر اوقات طلبکارانه به انتقادات وارده به عملکردش پاسخ می‌داد. برای این رفتار مذموم وزیر سابق راه‌وشهرسازی نمونه‌های زیادی وجود دارد. در این میان دردناک‌ترین آن، حادثه تلخ برخورد دو قطار مسافربری در ایستگاه هفت‌خوان سمنان در آذرماه ۹۵ بود. در آن حادثه ۴۵ نفر کشته و بیش از ۱۰۰ نفر زخمی شدند. در بررسی این حادثه علت اصلی عامل انسانی شناخته شد، اما آخوندی وزیر وقت راه و شهرسازی نه‌تنها حاضر به عذرخواهی از بازماندگان حادثه نشد، بلکه در واکنش به برخورد دو قطار گفت: «کشته‌شدگان و مصدومان این سانحه ریلی بیمه بودند، این افراد و خانواده‌های آنها می‌توانند از امکانات بیمه‌ای و درمانی استفاده کنند.»

اظهارات زنده آخوندی تنها به مردم عادی اختصاص نداشت و او با خبرنگاران نیز رفتارهای اینچینی داشت. ماجرا از این قرار است که بعد از امضای برجام، دولت روحانی اقدام به نوسازی ناوگان هوایی کشور کرد و در همین راستا تعدادی هواپیمای ایرباس خریداری کرد. چندی بعد خبری منتشر شد مبنی‌بر اینکه هواپیمای‌های خریداری شده توسط ایران مرجوعی کلمبیا هستند. در چنین شرایطی حداقلی‌ترین توقعی که از وزیر راه و شهرسازی می‌رفت، شفاف‌سازی پرونده خرید هواپیماها بود، اما آخوندی وقتی با سوال خبرنگاری در این رابطه مواجه شد، میکروفن وی را کشید و با عصیانیت خطاب به خبرنگار گفت: «شما حرفه‌ای نیستید و از خبرنگاری سر در نمی‌آورید، خبرنگار باید یک جو عقل داشته باشد، بروید بابا.»

نحطی‌زدگان

آمارهای دقیق و کارشناسی نشان می‌دهد کابینه روحانی ضعیف‌ترین عملکرد را در بین ادوار دولت‌های پس از انقلاب داشته است. این عملکرد ضعیف بیشترین اثر منفی را روی زندگی طبقات ضعیف جامعه داشته و آسیب‌های اجتماعی

و اقتصادی زیادی بر مردم وارد کرده است، اما در این ۸ سال اعضای کابینه روحانی به‌جای پذیرش بار مسئولیت خود با برجسته کردن اقدامات خویش، سعی کردند درمورد ریشه مشکلات کشور با ادبیات قحطی‌زده به افکار عمومی آدرس غلط بدهند. به‌عنوان مثال اسحاق جهانگیری، معاون اول رئیس‌جمهور در تیر ۹۷ درست زمانی که قیمت ارز لحظه‌ای و تصاعدی بالا می‌رفت، گفت: «در آن مقطع شاهد کمبود برخی کالاها نظیر پوشک بودیم. برخی دولت را مسخره کردند، اما همان فضا‌سازی باید تبدیل به این می‌شد که طی یک فرآیند چهارماهه کالاهای اساسی در کشور یافت نشود و مردم احساس کنند که کشور دچار قحطی شده است. با تلاش‌های دولت اقدامات خصمانه دشمنان علیه ملت کنترل شد و اجازه ندادیم در کشور قحطی به‌وجود آید.» ادبیات قحطی‌زده و اینکه اگر ما نبودیم وضع اسفناک می‌شد و این ما بودیم که کاری کردیم کارستان، در ۴ سال گذشته همواره دور زبان مقامات دولتی بوده است. در کنار جهانگیری، علی‌ریعی نیز خرداد سال گذشته در نشست خبری با خبرنگاران در پاسخ به سوالی درباره وعده‌های بر زمین مانده دولت، گفت: «من ادعای کم امروز جامعه خوشحال از زندگی خود است، اما علتش را هم بگویید که اگر این دولت نبود شما می‌که مدعی هستید وضع صدبرابر خراب‌تر می‌شد.»

این ادعاها توسط اعضای کابینه روحانی درحالی صورت می‌گیرد که اماره‌نشان می‌دهد وضعیت اقتصادی و معیشتی مردم از سال ۹۲ تا ۱۴۰۰، یعنی در ۸سالی که زمام امور کشور در دست دولت تدبیر و امید بوده به‌مراتب بدتر شده است و در خیلی از شاخص‌های منفی اقتصادی مانند تورم، تولید نقدینگی، افزایش پایه پولی، کاهش ارزش پول ملی و... دولت روحانی رکوردهای چهاردهه گذشته را شکسته است. برای بهبود زندگی مردم راه‌حل‌های زیادی با تکیه بر ظرفیت داخل وجود دارد، اما دولت روحانی به‌سمت هیچ‌کدام از آنها نرفت.

همینی که هست

سیدحسن قاضی‌زاده‌هاشمی، وزیر بهداشت سابق دولت روحانی یکی دیگر از آن چهره‌هایی بود که کوچک‌ترین نقد را نسبت به عملکرد خود و کابینه نمی‌پذیرفت. نمونه‌های زیادی از برخورد نامناسب وی در دوران وزارت وجود دارد که هرکدام از آنها نشان‌دهنده نوع نگاه حاکم بر دولت روحانی در مواجهه با مطالبات و درخواست‌های مردمی است. در یکی از



سفرهای استانی، پیرمردی درمورد هزینه‌های سنگین خدمات فیزیوتراپی به قاضی‌زاده‌هاشمی گلایه کرد، ولی وزیر به‌جای دادن پاسخی مناسب و یافتن راه‌حلی برای مشکلات مردم در جواب پیرمرد گفته بود: «بابت اگر درد می‌کند خودت بمال!» این اظهار نظر آنقدر سخیف بود که با واکنش منفی حسام‌الدین آشنا، مشاور رئیس‌جمهور همراه شد. آشنا در توثیتی کنایه‌آمیز خطاب به قاضی‌زاده گفت: «با مردم دردمندان بهداشتی‌تر سخن بگوییم. شخی‌های بامزه‌مان را بگذاریم برای محافل خودمانی‌تر. بر زخم‌ها نمک نپاشیم.»

در همین راستا به برخورد نامناسب قاضی‌زاده با فرماندار بدره، به‌عنوان یکی دیگر از جلوه‌های نقدناپذیری وزرای کابینه روحانی می‌توان اشاره کرد. ماجرا از این قرار است که فرماندار بدره نزد وزیر بهداشت از مشکلات بهداشت و درمان این شهر گلایه و به لزوم راه‌اندازی بیمارستانی در بدره اشاره می‌کند، این درخواست به مذاق قاضی‌زاده به‌دلیل پایین بودن جمعیت بدره خوش نمی‌آید، اما به‌جای دادن پاسخی منطقی سعی می‌کند طوری جواب دهد تا دیگر کسی به فکر درخواست از وزارت بهداشت نبفتند. قاضی‌زاده خطاب به فرماندار بدره می‌گوید: «آقای فرماندار شما نماینده دولتیبد یا مردم؟ اگر گذاشم یک روز دیگه بمانید اینجا، بی‌شعور.» البته این گونه رفتارها از وزیری که در پاسخ به منتقدان دولت می‌گوید همینی که هست خود شما رأی دادید، دور از انتظار نیست. قاضی‌زاده هم همچون آخوندی ادبیات مختص به خود را داشت. او در خرداد ۹۶ در پاسخ به خبرنگار روزنامه قدس گفته بود: «شما مگر مزدورید؟ هر چرتی را که به شما می‌دهند نباید بپرسید، آدم از گرسنگی بمیرد بهتر از این است که برای این روزنامه کار کند!» قاضی‌زاده از دولت روحانی جدا شد، اما نه برای این اظهارات و نه برای طرح پرهزینه تحول سلامت، حاضر به یک بار عذرخواهی از مردم نشد.

نظرسنجی خیابانی

دولت روحانی نه بابت ادبیات منجرکننده‌اش از مردم عذرخواهی کرد و نه برای تصمیماتی که زندگی میلیون‌ها انسان را بر باد داد. در دولت روحانی بیشترین شکاف اقتصادی بین فقیر و غنی در کشور ثبت شد و مسکن رشد ۷۰ درصدی را تجربه کرد و دلار تا مرز ۳۰ هزار تومان بالا رفت و پراید به یک آرزو تبدیل شد، اما روحانی و دولتش آنقدر از مردم و زندگی مردم دور بودند و هستند و خواهند بود که هیچ‌گاه این وضع را نفهمیدند. به‌طور حتم اگر جهانگیری از زندگی مردم خبر داشت هیچ‌گاه در آبان ۹۹ نمی‌گفت: «از زیبایی اتفاقات اخیر و مواجهه کشور با پیچیدگی‌ها و فشارهای متعدد نشان می‌دهد مسئولان اقتصادی کشور عملکرد خوبی داشته‌اند.» و یا در دی‌ماه ۹۹ نمی‌گفت: «اگر گروهی به‌جز دولت ما بسر کار بود، در مقابل جنگ اقتصادی، کل ایران را از دست می‌داد.» شاید دلیل این وضعیت، شکل نظرسنجی‌های روحانی بود. او خرداد ۹۸ گفته بود: «من روزانه نظرسنجی می‌کنم! در خیابان وقتی با ماشین می‌روم تمام چهره‌های مردم را نگاه می‌کنم که چند نفر لیخند دارند، چند نفر عصبانی هستند و چند نفر قیافه‌شان گرفته است... به هر شهری می‌روم خودم نظرسنجی می‌کنم، نگاه آدم‌ها را نسبت به خودم. نگاه کسی را که با محبت نگاه می‌کند، با تشکر نگاه می‌کند و یا آنکه نقد دارد.»

اینجا جدا از توهین‌های ریز و درشتی است که روحانی در دوران سرخوشی برجام، خطاب به منتقدان توافق هسته‌ای می‌کرد. در ۸سال دولت او، هزاران جان از بین رفت و میلیون‌ها نفر آواره شدند. در این دولت تقریباً طبقه متوسط از بین رفت و مردم در دو دسته فقیر و غنی تقسیم شدند. ای کاش در همین آخرین هفته‌ها دولت از مردم بابت تمام ناکارآمدی‌ها، ناتوانی‌ها و بی‌کفایتی‌هایش عذرخواهی کند و به‌جای ادعاهای موهومی همچون اگر ما نبودیم وضع بدتر می‌شد، مسئولیت ۸سال‌اش را بپذیرد.

هر کسی چنین فعلی انجام دهد دفاع می‌کنند.

رفتار برخی مسئولان ناشی از این است که خود را تافته جدا بافته می‌دانند
می‌توان گفت این مسئولان شناسخت لازم را از مردم ندارند و آنقدر در بین مردم نبوده‌اند که متوجه دلخوری و چرایی این ناراحتی نبستند.
انسان‌هایی که از بالا به پایین و از کاخ‌ها به کوخ‌ها می‌نگزند فاصله اجتماعی و انسانی خود را از انسان‌ها و زیرمجموعه‌شان که در رواق اربابان آنها هستند، دور نگه داشتند و خود را تافته جدا بافته می‌دانند. این خوی به‌تدریج در آنها رسوخ می‌کند و به‌تدریج به یک ویژگی اخلاقی دائمی تبدیل می‌شود، لذا همه آدم‌هایی که خود را از مردم جدا فرض کنند در نهایت به این خوی اشرافی دچار می‌شوند.

پس ما که می‌خواهیم برویم می‌توانیم هر طور که بخواهیم با مردم رفتار کنیم.

برخی مسئولان دولتی دارای خوی تکبر هستند این یک وجه قضیه است اما وجه دیگر دفاع جهانگیری و واعظی از مواضع رئیس محیط‌زیست است. آیا این حمایت به معنای طرفداری جناحی نیست؟

این رفتار دال بر جناح سیاسی نیست بلکه این نگاه مبتنی‌بر تبختر، تکبر و خوی اشرافی است که در همه این آقایان نیز وجود دارد و این خوی اشرافی از هر فردی متصاعد شود از آن حمایت می‌کنند. لذا این موضوع ناشی از خط‌وربط سیاسی نیست و خوی اشرافی که در برخی از آقایان وجود دارد، سبب چنین مواضعی شده است که خود را نژاد و ژن برتر می‌دانند. لذا طبیعی است با مردم از بالا به پایین رفتار می‌کنند و از

موضع بیستاکار با افکار عمومی سخن می‌گویند با جواد نیک‌بین، عضو کمیسیون فرهنگی و نماینده مردم کاشمر در مجلس شورای اسلامی گفت‌وگو کردیم. او در گفت‌وگو با «فرهیختگان» به تبیین رفتارهای اجتماعی مسئولان در مواجهه با مردم پرداخت.

۱۱۱

وزرای روحانی در مواجهه با مشکلات مردم سابقه خوبی نداشته‌اند و بعضی از اصطلاحات ناخوشایند آنها حاشیه‌های فراوانی ایجاد کرده است. مورد آخر عیسی کلانتری بود که این روزها بسیار حاشیه‌ساز شده است. ارز یابی شما از صحبت‌های او و حمایت واعظی و جهانگیری از مواضع او چیست؟

خبرنگاران مجاهدن مطالبه‌گر هستند که فضای مطالبه‌گری را در کشور پیش می‌برند، درواقع خبرنگاران تصمیم‌سازان

مریم عاقلی

روزنامه‌نگار

پس از رفتارهای خارج از عرف عیسی کلانتری رئیس سازمان محیط‌زیست در مواجهه با فوت دو خبرنگار حوزه محیط‌زیست و واکنش‌های منفی نسبت به رفتار او بین خانواده‌های دو خبرنگار متوفی و فعالان فضای مجازی، اتفاق عجیب‌تر، حمایت جهانگیری و واعظی از رفتارهای رئیس سازمان محیط‌زیست بود. اسحاق جهانگیری، معاون اول رئیس‌جمهور در دفاع سرسختانه از کلانتری گفته است: «اصلاً چرا آقای کلانتری باید استعفا دهد؟» برای بررسی اینکه چه اتفاقی رخ می‌دهد که مسئولان به جای عذرخواهی بابت اشتباهاتی که مرتکب می‌شوند، از